گام سوم) تنافی اختلاف روی‌ت در بلاد کبیره با میقات واحد

(20:39)

سؤال من این است: وقتی ارتباطات زیاد شد، الآن نیاز است مردمی که در قم و مشهد هستند، پانزدهم و بیستم ماه مبارکشان یکی باشد. خب میقاتیت کجا است؟! آن جا که ندیدند. خب چه مشکلی دارد؟! اهل مشهد می‌گویند پانزدهم ماه است، در قم می‌گویند شانزدهم ماه است. این چه مشکلی دارد؟! هر چه بشود و بگویی‌م مشکلی ندارد، مانعی ندارد. اما خب میقاتیت چه شد؟! میقاتیت در کجا؟! چرا در بلد واحد فرمودی که شارع طرفدار میقات است؟ خب در بلد واحد هم همین را بگویی‌د. بگویی‌د در شرق قم بالدقة الریاضیة و الهَوَیة در وقت غروبشان هلال ندانستند، اما در غرب قم بالدقه داشتند. چون مثلاً نیم دقیقه بین غروب شرق قم با غرب قم تفاوت بود. به‌خصوص در بلاد کبیره مثل تهران؛ بگویی‌م در شرقش فردا سی ام ماه است، در غربش اول ماه است. می‌گویند خب دلیل شرعی می‌گویی بلد! اذا بلد همه را می‌گیرد. خب چرا بلد همه را گرفته است؟ باید در بلد واحد میقات محقق شود. خب اگر در بلد واحد، با این‌که شرق و غربش فرق می‌کند، میقاتیت حاکم می‌شود و شارع برای همه حکم می‌کند، وقتی مسلمین بالعیان می‌بینند که برای بلاد قریبه به ارتباطات سهله، الآن مشهد بوده با هواپیما چهل دقیقه دیگر تهران است، ماشین سوار می‌شود و ده ساعت دیگر تهران است، اگر بخواهند در این‌جا مواعده بکنند، شارع به همین سادگی دست از میقاتیت بر می‌دارد؟! می گوید: من بلد کوچک را گفتم! من چه کار دارم به مملکتی که به یک ماه رمضان واحد نیاز دارند؟! من حرفی ندارم. اگر در ایران دو میقات شد، خب بشود! من کاری به این‌ها ندارم. این خلاف ارتکاز بیّن متشرعه است.

می‌خواهم این را عرض کنم که به همان ملاکی که شارع برای بلده واحده گفت «لو رآه واحد لرآه الف»، برای این‌که میقاتیت را در مقصود خودش در بلد واحد منجز کند، برای یک سرزمین واحدی که فرض گرفتیم ارتباطاتشان تنگا تنگ است، فرض گرفتیم که همه از هم خبر دارند و ارتباطاتشان کالبلد الواحد شده، شارع برای این‌ها هم میقاتیت را می‌خواهد. این یک چیزی نیست که بگویی‌م شارع گفته من کاری ندارم و این مشکل خود شما است! من می‌گویم اگر ندیدید، خب ندیدید! اگر ندیدید، خب شرق و غرب یک بلد، هم باید این‌طور می‌شد!

خب حالا شارع برای این بلاد کاری کرده ای نکرده؟ آن‌هایی که حکومت می‌گفتند، ولی در ذهن ما که حکومت نیست. ارتکاز همه در رؤیت در بلد دیگر شخصیت است. نه این‌که حکومتا چاره‌ای نداشته باشی‌م. اگر در یک بلد این‌طور است، در این‌جا هم همین‌طور است. این‌جا هم شارع طرفدار میقات است؛ برای جمعی از مسلمین که یک کشور واحد هستند. یک بلد واحد هستند. یعنی ارتباطاتشان کالبلد الواحد است.

شاگرد: کشور واحد هم خصوصیت ندارد.

استاد: من می‌خواهم قدم به قدم از مانوسات استفاده کنم و جلو بروم. می‌خواهم مطلبی که در جلسه قبل عرض کردم را تمام کنم تا به جواب برخی از اشکالاتی که گفتند بطوری که مقصود من است برسیم.

شاگرد۲: اینکه ارتباطاتشان تنگاتنگ باشد، در کلام شما موضوعیت دارد؟

استاد: نه. می‌خواهم آن ارتکاز را تشحیذ کنم تا دیگر نپذیرد. با اینکه بالدقه فرض گرفتیم که در مشهد واقعاً حلال نداشتند، نیم ساعت بعدش واقعاً در قم حلال داشتند. خب الآن در ایران چه کار کنیم؟

الآن دو کشوری که جغرافیای سیاسی جداگانه دارند، خیلی جلوه نمی‌کند. می‌گوید آن کشور اعلام کرد و کشور دیگر اعلام نکرد. اما الآن در یک کشور، کسی می‌پذیرد؟!شاگرد: چون مانوس ذهن‌ها نیست نمی‌پذیرند. الآن درآمریکا که چند ایالت است چند ساعت دارند که یک ساعت دوساعت با هم تفاوت دارد. ای در روسیه چندین ساعت دارند. اگر در آن کشور بروی و بگویی برای دو ایالت دو ماه مختلف هست، شاید مانعی نداشته باشدولی چون در کشور خودمان همیشه یک جور بوده است غیرمأنوس است.

استاد: اینها مطالب خیلی خوبی است. اینها را که می‌گویی من خیلی خوشحال می‌شوم.

شاگرد۲: میقات به چه معنا است؟

استاد: میقات اسم آلت وقت است. یعنی یک چیز معین است. حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله برای احرام، پنج میقات قرارداد. میقات شجره، میقات وادی العرق.

شاگرد۲: این انحصار از کجا لحاظ شده است؟ اینکه حتماً باید یکی باشد؟ اگر دو تا باشد مانعی پیش می‌آید؟

شاگرد: قبلاً اینها را بحث کرده اید که آیه "إنّ عدة الشهور عند الله" دلالت می کند.

استاد: بله ولی ما می‌خواهیم بحث طوری باشد که بحث سابق متکفل سؤال های لاحق هم باشد. اگر بوده و در ذهن حاضر نیست، مرور می‌کنیم. اگر بحث سابق حاضر است و سؤال می‌آید، معلوم می‌شود توان اینکه این سؤال را جواب بدهد نداشته است. الآن می‌خواهیم همین را بگوییم؛ میقات باید یکی باشد ای نه؟ خب چندتا باشد! اگر میقات، میقات مکانی است، حتماً باید چندتا باشد. چون دو مکان که یک جا جمع نمی‌شوند. اما میقات زمانی به چه صورت است؟ میقات است، معیّن است؛ چندتا معیّن [باشند]؟! یک معیّنِ‌انامعین؟! «وقّت ای عیّن». میقات یعنی یک زمان معیّن. توقیم معیّن. شما می‌گویید خب چندتا معین باشند! ایشان مثالی زدند که برای بحث ما خیلی خوب است. می‌گویند ما الآن مانوس نیستیم، و الّا اگر آمدیم، همانطوری که در ساعت مانوس هستیم، در کشورهای گستردهای میروی که مانوس باشد. الآن انس ما ایرانیها به توقیم و ساعت واحد است، چون ما در یک قاچ هستیم. هر قاچی پانزده درجه بود. خورشید در هر پانزده درجه یک ساعت میرفت. یعنی کل کشور ایران این خصوصیت را دارد که اول و آخرش یک ساعت بیشتر تفاوت ندارد. وقتی به این صورت است یک قاچ جغرافیایی یک ساعت رسمی دارد و یک توقیم دارد. مشکلی ندارد.

بازبینی #2
ایجاد شده 26 ژانویه 2026 15:01:16 توسط ... .
به روزرسانی شده 26 ژانویه 2026 15:13:14 توسط ... .